مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران با دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.
همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.
مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران با دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

آیا اوباما کنگره را در حاشیه قرار داده است؟

درک چولت: دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا درحالی به تلاش برای جلب حمایت کنگره از توافقنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد که اعضای کنگره از اینکه اوباما این توافقنامه را پیش از تصویب در کنگره برای تصویب به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد، عصبانی هستند. رهبران کنگره معتقدند این اقدام در خوشایندترین حالت، بی‌اعتنایی به روح «قانون بررسی توافقنامه هسته‌ای ایران» است و در بدترین حالت حمله مستقیم به اختیاراتی است که کنگره به مجوب قانون اساسی از آن برخوردار است. «باب کوکر» سناتور ایالت تنسی و رئیس کمیته روابط خارجی سنا با عصبانیت تاکید کرد اقدام دولت در ارائه توافقنامه هسته‌ای ایران به سازمان ملل پیش از کنگره به منزله در حاشیه قرار دادن کنگره بود. روزنامه وال استریت ژورنال نیز در صفحه نخست خود با انتقاد شدید از اوباما نوشت: «اوباما این اختیار را ندارد که اجازه دهد سازمان ملل عقاید خود را به نماینده‌گان منتخب آمریکا دیکته کند». به طور قطع، «جان کری» وزیر خارجه آمریکا شکایات بیشتری از این دست خواهد شنید.

■ آیا واقعاً این اقدام نامناسب بود؟

صرفنظر از اینکه اقدامات سازمان ملل هیچ یک از اختیارات کنگره را از آن سلب نمی‌کند- تحریم‌های بین‌المللی تا زمانی که کنگره توافقنامه هسته‌ای ایران را بررسی نکند، لغو نخواهد شد و سازمان ملل نمی‌تواند آمریکا را وادار به لغو تحریم‌هایی که این کشور علیه ایران اعمال کرده است کند، بار از تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران جلوگیری کند- منتقدان این موضوع را نادیده می‌گیرند که این اقدام (ارجاع یک توافقنامه به سازمان ملل پیش از بررسی در کنگره) در تاریخ بی‌سابقه نیست. در واقع، در دوره فعالیت «جورج اچ‌دبلیوبوش» آیوش پدرآ و «جیمز بیکر» ۲ دولتمرد جمهوری‌خواه نیز چنین اتفاقی رخ داده است.

۳۵ سال پیش که بوش و بیکر برای جلب حمایت از توسل به زور علیه عراق - برای بیرون راندن نظامیان عراقی از کویت- تلاش می‌کردند، همین روند دومرحله‌ای را در پیش گرفتند. شاید افراد کمی به خاطر بیاورند اما بحث در سال ۱۹۹۰ بر سر اینکه آیا آمریکا باید با عراق جنگ شود یا خیر، بسیار داغ بود و بیشتر دموکرات‌های برجسته خواستار منتظر ماندن برای تأثیرگذاری نتیجه تحریم‌ها بودند. درحالی که بیش از ۴۰۰ هزار نظامی آمریکایی در خلیج‌فارس مستقر شده بودند، دیدگاه‌های بسیاری از مخالفان توسل به زور در این شعار معترضان خلاصه شده بود: «به خاطر نفت خونریزی نکنید».

بوش و بیکر با راندازی این نزاع سیاسی بر سر ویرایوبی با صدام، دیکتاتور سابق عراق رویکردی صریح در پیش گرفتند و تلاش کردند با استفاده از اجماع بین‌المللی و صدور قطعنامه علیه عراق در سازمان ملل، کنگره را تحت فشار قرار دهند تا با توسل به زور، علیه عراق موافقت کند. بیکر در کتاب خاطرات خود با عنوان «سیاست دیپلماسی» که سال ۱۹۹۵ منتشر شد، نوشته است: «تلاش دیپلماتیک ما در سازمان ملل، یکی از عوامل اصلی پیروزی ما در جلب موافقت کنگره بود» تلاش بیکر برای جلب حمایت شورای امنیت سازمان ملل از توسل به زور علیه عراق، خستگی‌ناپذیر بود، چرا که وی می‌دانست موافقت سازمان ملل با توسل به زور علیه عراق «عاملی متقاعدکننده» برای کنگره خواهد بود. بیکر در کتاب خاطرات خود نوشت: «کنگره با رأی دادن علیه طرح رئیس‌جمهور، در واقع نه تنها به تعهدات دیرینه آمریکا به حمایت از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که به آن رأی داده بود، پشت می‌کرد، بلکه بر خلاف میل جامعه بین‌المللی هم عمل می‌کرد». آمریکا اواخر نوامبر سال ۱۹۹۰ توانست از سازمان ملل مجوز استفاده از «هر نوع ابزار لازم» برای بیرون راندن صدام از کویت را دریافت کند. بیکر که از موافقت شورای امنیت سازمان ملل با حمله به عراق برخوردار بود، این مجوز را «رکن اساسی راهبرد داخلی دولت» می‌دانست که موجب شده بود دولت نسبت به کنگره دست بالا را داشته باشد. بیکر در کتاب خاطرات خود نوشته است: «پس از رای شورای امنیت سازمان ملل، ما نه تنها اختیارات دیپلماتیک برای راندازی جنگ داشتیم، بلکه عملاً هم اهرم سیاسی برای وادار کردن کنگره به تصمیم‌گیری درست را نیز در اختیار داشتیم». «فرنت اسکوکرافت» مشاور امنیت ملی بوش نیز درباره آن سال‌ها گفته است: «دموکرات‌ها - که مخالف توسل به زور علیه عراق بودند- پس از رای سازمان ملل در تنگنا قرار گرفتند. آنها با خود کرد که رفتند چطور می‌توانند با رئیس‌جمهوری مخالفت کنند که تحت حمایت یک ائتلاف قدرتمند بین‌المللی است؟» در نهایت، فشار شدید ناشی از حمایت سازمان ملل از طرح رئیس‌جمهور - تا حدی- مؤثر واقع شد. کنگره ژانویه ۱۹۹۱ با توسل به زور علیه عراق موافقت کرد؛ با وجود این، تنها ۱۰ سناتور دموکرات به این قطعنامه رأی دادند. هنوز هم سازماندهی و راندازی جنگ خشت خلیج‌فارس به منزله یکی از مظاهر سیاستمداری آمریکا محسوب می‌شود؛ زمانی که بوش و بیکر از همه مهارت‌های سیاسی و دیپلماسی خود برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی، جلب حمایت داخلی و اجرای یک عملیات نظامی موفقیت‌آمیز استفاده کردند. بسیاری از دموکراتهایی که مخالف رئیس‌جمهور وقت بودند (از جمله جو بایدن، سناتور وقت) معتقد بودند این عملیات نظامی یک اشتباه بود. آیا بین تلاش‌های بوش پدر در ۲۵ سال گذشته و اوباما در حال حاضر تفاوتی وجود دارد؟ برخی منتقدان مدعی هستند قطعنامه سال ۱۹۹۰ سازمان ملل صرفاً مجوز راندن نظامیان عراقی از کویت- حتی که قطعنامه امروز سازمان ملل آمریکا را وادار به مشارکت در نقو تحریم‌ها می‌کند با این همه، در آن زمان هم اعضای کنگره به آسانی درباره آن قطعنامه تصمیم‌گیری نکردند. «امام قوفی»، رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا موافقت با قطعنامه را به منزله اعلان جنگ دانست و با رئیس‌جمهور مخالفت کرد. بنابراین در واقع بزرگ‌ترین تفاوت بین آنچه کنگره هم‌اکنون با آن روبه‌رو است و آنچه در آن زمان پیش رو داشت، برخلاف چیزی است که منتقدان می‌گویند. برخلاف گفته منتقدان، سرنوشت هم‌ارز نظامی آمریکایی با توجه به رای موافق سازمان ملل به توسل آمریکا به زور علیه عراق در آن زمان هم به اندازه پیامدهای توافق هسته‌ای ایران مهم بود. کنگره باید در همه مسائل، مجبور به جنگ و چه صلح، نقش کلیدی ایفا کند. به همین دلیل است که امید آن می‌رود بررسی کنگره درباره توافقنامه هسته‌ای ایران به همان اندازه که مهم است، کامل و دقیق باشد. اما کنگره به پیشینه تاریخی توجه نمی‌کند و ادعا می‌کند اوباما با جلب حمایت بین‌المللی از توافق هسته‌ای و تاکید به پیامدهای منفی مخالفت کنگره با این توافق و تاثیر آن در تضعیف جایگاه بین‌المللی آمریکا، بر خلاف سنت، - یا بدتر از آن، بر خلاف قانون اساسی- عمل کرده است. همانطور که گفته شد، راهبرد جلب حمایت بین‌المللی برای وادار کردن جلب حمایت داخلی در آمریکا سنتی دیرینه است که هر ۳ حزب از آن استفاده کرده‌اند.

پایگاه اینترنتی فارین پالیسی

کری در قاهره مزیت‌های توافق هسته‌ای با ایران را برشمرد

نیکلا روبز: «جان کری» وزیر خارجه آمریکا یکشنبه پس از «گفت‌وگوی راهبردی» در قاهره با متحد مصری خود گفت که نخستین مرحله از سفر دوره‌ای منطقه‌ای او را رقم زد. اطمینان داد توافق مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، خاورمیانه را امن‌تر خواهد کرد. وزیر خارجه آمریکا که قرار است به عدالفتاح السیسی دیدار کند همچنین تاکید کرد ضرورت دارد مصر مولانه‌ای را بین مبارزه بی‌سابقه با افراطیون و احترام به حقوق بشر بیابد. در مصر، آمریکایی‌ها با موضوعی غامض روبه‌رو هستند: مراقبت بر الزامات امنیتی در عین حال محکوم کردن نقض آزادی‌ها. آنها بویژه به محکوم کردن سرکوب وحشتناک حکومت سیسی علیه طرفداران محمد مرسی، رئیس‌جمهوری اسلامگرا که در سال ۲۰۱۳ از مقام خود برکنار شد، ادامه می‌دهند. اما ۲ کشور در ماه‌های اخیر به مدد ازسرگیری مساعدت نظامی سالانه بویژه ۱ میلیون دلاری آمریکا که و بیش با هم آشتی کردند. جان کری همچنین تاکید کرد: «آمریکا و مصر در حال یافتن پایگاه مستحکم‌تری برای روابط خود هستند». وی افزود: «تنش‌هایی اینجا و اینجا دربواه برخی مسائل وجود دارد. آمریکا نگرانی‌های خود را در خصوص برخی چالش‌ها در زمینه محافظت از حقوق بشر اعلام کرده است». یکشنبه، دادگاهی حکم قرار در محاکمه ۲۹ جبرنگار شبکه جزیره قطر که محکوم اولیه ۱۰ تا ۱۵ سال زندان برای آنها تایید کرده بود را به ۲۹ مه موکول کرد. واشنگتن در چارچوب لغو تعلیق کمک نظامی خود پنجشنبه از تحویل ۸ فروند هواپیمای جنگنده اف -۱۶۰ از مجموع ۱۲ فروندی که مارس وعده داده بود، خبر داد. کری اعلام کرد: «ما به شکل چشمگیری همکاری نظامی خود را افزایش دادیم، همانگونه که این مساله با تحویل اف شانزده‌ها و دیگر تجهیزات و وسایل اساسی در مبارزه با تروریسم مشاهده می‌شود» قاهره و واشنگتن درباره تشدید فعالیت‌های گروه‌های افراطی در شمال شبه جزیره سینای مصر نگران هستند. این محل پایگاه گروه انصار بیت‌المقدس است که برای اعلام بیعت با خلافت خودخوانده گروه داعش نام «ولایت سینا» به خود گذاشته است. حملات به نیروهای امنیتی مصر از زمان برکناری مرسی افزایش یافته است. به گفته نیروهای امنیتی، صدها نفر از نیروهای پلیس و نظامی در این حملات کشته شده‌اند. نیروهای امنیتی اعلام می‌کنند بیش از ۱۰۰۰ تن از نیروهای افراطی را در صحرای سینا کشته‌اند. یک دیپلمات آمریکایی گفت: «ما از اجحه در صحرای سینا اتفاق می‌افتد نگران هستیم». وی افزود: «مصری‌ها با وخیم‌ترین تهدید سازمان‌های وابسته به داعش مواجه هستند و ما باید به آنها کمک کنیم». به گفته این دیپلمات آمریکایی، در دوحه، کری همچنین دیدار سه‌جانبه‌ای با همتایان روس و سعودی خود یعنی سرگئی لاوروف و عادل الجبیر برگزار و همچنین با آنان درباره مناقشات سوریه و یمن گفت‌وگو خواهد کرد.

خبرگزاری فرانسه

گندم؛ نفت دیگری برای داعش

امانوئل میشل: کنترل گندم به‌عنوان منبع تامین درآمد و راهی برای تقویت استیلا بر مردم؛ در راهبرد سلطه گروه داعش که در مناطق گسترده زیر کنترل خلافت در سوریه و عراق حکومت می‌کند، نقش اساسی دارد. «سباستین آبیس» (Sébastien Abis) پژوهشگر موسسه روابط بین‌الملل و راهبردی و نویسنده کتاب «ژئوپولیتیک گندم» تاکید می‌کند: «حضور داعش با دانه‌های غلات منطقه چه در شمال عراق یا شمال شرقی سوریه، روی هم فرق می‌گیرد». جنگجویان گروه داعش در حمله برق‌آسای خود به شمال عراق در ژوئن ۲۰۱۴، کنترل سیلوهای گندم استان‌های نینوا و صلاح‌الدین را که بیش از یک‌سوم تولید گندم و ۴۰ درصد تولید جو کشور را در خود جای داده است، به دست گرفتند. «ژان شارل بریزار» (Jean-Charles Brisard) مدیر اجرایی شرکت کارشناس امور تامین مالی تروریسم می‌گوید: به این ترتیب، گروه داعش بیش از یک میلیون تن گندم را به تصرف خود درآورد که یک‌پنجم مصرف سالانه عراق محسوب می‌شود. وی می‌گوید در سوریه، افراطیون ۳۰ درصد تولید گندم در منطقه رقه و دیرالزور را که در کنترل خود دارند، تصرف کردند.همچنین سه‌چهارم تولید پنبه که سوریه از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آن پیش از جنگ بوده به تصرف خود درآورند. مانند سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا، نان یارانه‌ای یک پایه غذایی عراق و سوریه محسوب می‌شود و این دو کشور باید علاوه بر تولید داخلی خود، گندم وارد کنند. بریزار می‌گوید: «افراطیون این فرصت را دست نداده‌اند. از این رو، آنها بسیاری از افراد را از عراق به سوریه می‌برند تا آن را تبدیل به اردکند و بفروشند و از سوی دیگر مانند نفت آنها گندم را در خارج از منطقه تحت نفوذ خود بویژه در مناطق مرزی ترکیه به فروش می‌رسانند». به گفته این کارشناس، داعش از این راه درآمدی حدود ۲۰۰ میلیون دلار در سال به دست می‌آورد. این مقدار در عین حال در مقایسه با معاملات جهانی غلات جهانی بسیار پایین است. گندم همچنین برای داعشی‌ها امکان آن را فراهم می‌کند که از اقبال مردم مطمئن شوند. «سباستین آبیس» می‌گوید: «این ترتیب باید دید چه تعداد تلویاری از آغاز حمله نظامی در برخی از شهرها به تصرف داعش درآمده است.» داعش به توزیع نان رایگان یا به قیمت‌های بسیار پایین در مناطق تحت کنترل خود اقدام کرده است. آبیس هشدار می‌دهد: «اما در نهایت، جنگ تهدیدی واقعی برای امنیت غذایی منطقه خواهد بود» به گفته وی، هم‌اکنون کاهش تولید در سوریه و عراق وجود دارد هرچند هیچ رقمی در این باره منتشر نشده است. بریزار خاطرنشان می‌کند: «نیروها کشتزارها را تخریب می‌کنند، خاک را از بین می‌برد و نیروی کار ضروری برای کار کردن در مزارع را دور می‌کند» این پژوهشگر می‌افزاید: «حملات انتحاری هرچند عمدا مزارع گندم را هدف قرار نمی‌دهد، اما امکانات انبار کردن و انتقال آن را با مشکل مواجه می‌کند». سازمان ملل متحده به تازگی اعلام کرد: «حدود ۱۰ میلیون سوری از ناامنی غذایی رنج می‌برند که عمدتا بخشی از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد» یکی از مقامات سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) اعلام کرد: «بخش کشاورزی (سوریه) براثر مناقشه ویران شده است. کمک اضطراری اعطاکنندگان کمک ضرورت دارد تا کشاورزان بتوانند در فصل آینده کاشت غلات که اکتبر است، کشت را انجام دهند.» سباستین آبیس می‌گوید: «بنابراین مساله کشاورزی در میان مدت می‌تواند علیه داعش به کار رود، در صورتی که برداشت بازهم بدتر شود آنها چه کار خواهند کرد؟» بریزار پیش‌بینی می‌کند که گروه داعش فعلاً از نظر تولید گندم مستقل نیست زیرا کنترل این گروه بر منابع طبیعی برای تامین دوام آن کافی نخواهد بود».

حملات ترکیه در سوریه نشانه شکست سیاست‌هاست

دیوید گاردنر: به نظر می‌رسد ترکیه تصمیم گرفته است سیاست خود را در قبال گروه داعش تغییر دهد. پس از آنکه یک عامل انتحاری این گروه ماه گذشته سبب کشته شدن ۳۲ فعال اجتماعی جوان در یک مرکز فرهنگی کردها در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه شد، حاکمان اسلامگرای ترکیه در نهایت متوجه تهدیدات جدی علیه خود شدند. از این رو، آنکارا نیروی هوایی خود را مأمور هدف قرار دادن مواضع داعش در شمال سوریه کرد. جنگنده‌های ترکیه مواضع شورشیان کرد در شمال عراق را هدف قرار دادند تا آنها نتوانند از شرایط پیش‌آمده به نفع خود بهره‌برداری کنند. ترکیه در نهایت با درخواست واشنگتن برای باز کردن پایگاه هوایی اینجرلیک به روی هواپیماهای جنگی آمریکایی که با هدف محله به مواضع گروه داعش موافقت کرد،مشکل موجود در چرخه سیاست داخلی ترکیه درباره داعش این است که افراد خارج از چرخه مقامات دولتی به دشواری می‌توانند شرایط جدید را باور کنند. سیاست حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه کاملا تغییر یافته است. ترکیه به رویکرد تهاجم علیه داعش روی آورده است و در این میان نام رجب طیب‌اردوغان بیش از همه مطرح می‌شود. پس از آنکه شهروندان ترکیه سبب شدند حزب عدالت و توسعه در انتخابات سراسری ماه گذشته اکثریت خود را از دست بدهد، به نظر می‌رسد اردوغان به فکر چاره افتاده است. او در تلاش برای مقابله با کردهاست رایز التحاف خاصی کرده است نقش بر آب شدن طرح‌های اردوغان برای به دست آوردن اکثریتی قاطع به منظور سرمایه‌گذاری روی کرسی ریاست‌جمهوری خود و دریافت اختیارات بیش از اندازه شد. سیاست ترکیه در قبال سوریه و راهبردش در قبال کردها تغییر یافته است.

اوایل سال ۲۰۱۱ زمانی که شورشیان علیه بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور قیام کردند، اردوغان - که در آن زمان نخست‌وزیر ترکیه بود- تلاش کرد از اسد بخواهد شیوه خود را تغییر دهد اما اسد نپذیرفت. اردوغان با خشم هر چه تمام‌تر به تحولات سوریه واکنش نشان داد. او مرزهای جنوبی ترکیه را روی داوطلبانی باز کرد که خواستار مبارزه با نیروهای وفادار به بشار اسد بودند. بدین ترتیب، ترکیه به مسیری برای انتقال تروریست‌ها به سوریه تبدیل شد. سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه موسوم به «میت» (MIT) تسلیحات در اختیار شورشیان قرار داد. هدف از این اقدام کمک به گروه احرارالشام بود که یک گروه سلفی محسوب می‌شد. اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گروه داعش و جبهه النصره - شاخه القاعده در سوریه که در حال حاضر با احرارالشام همپیمان شده است- از این تحولات به نفع خود بهره‌برداری کردند.

حتی پس از حمله داعش به عراق در تابستان گذشته، به نظر می‌رسید حزب عدالت و توسعه ترکیه از این موضوع زیاد خشمگین نیست. زمانی که داعشی‌ها یابیز گذشته کوبانی را به محاصره درآوردند، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد تفاوتی بین داعش و حزب اتحاد دموکراتیک - همان جنگجویان کرد که در کوبانی در مقابل داعش مقاومت می‌کردند - وجود ندارد. با این حال، اردوغان به عنوان نخست‌وزیر ترکیه مذاکرات را با اعضای حزب کارگران کردستان یا همان پ.ک.ک آغاز کرد تا به شورش‌های ۳۰ ساله آنها پایان دهد. او تلاش کرد این کار را با ایجاد فضای بازتر فرهنگی و سیاسی برای اقلیت کردهای ترکیه انجام دهد. بسیاری از کردهای ترکیه این احساس را دارند که همانند یک بازیچه با آنها رفتار شده است. آنها بر این باورند اردوغان این کار را با هدف افزایش آرای حزب عدالت و توسعه در انتخابات و تضمین جاطلبی‌های خود برای حکومت بر ترکیه انجام داده است. به همین سبب آنها حمایت خود را از حزب دموکراتیک خلق اعلام کردند و حزب عدالت و توسعه اکثریت خود را از دست داد. حزب دموکراتیک خلق تلاش داشت حالی خودداست که از تحولات لیبرال‌ها و چپ‌گراها برخوردار است. در بحبوحه این تحولات سیاسی، کردها و ترک‌های مخالف حزب عدالت و توسعه همدست داعش قلمداد شدند. فراهم آوردن شرایط برای انتقال تروریست‌ها به سوریه از طریق ترکیه سبب به وجود آمدن فضایی برای ابراز همدردی با داعش و اسیب دیدن نظام پلیس، دادستانی و سازمان‌های جاسوسی شد که به سبب اقدامات دولت علیه رقبا در اطراف خود تضعیف شده بودند. یکی از اعضای حزب عدالت و توسعه اعلام کرد: «فکر می‌کنم تا همین اواخر ارتباطاتی بین ترکیه و داعش وجود داشته است.» در پی حادثه شرابی‌اید در ماه ژانویه در فرانسه، افرادی که با داعش ابراز همدردی می‌کردند مراسم بادبودی برای عاملان آن حمله در استانبول برگزار کردند. یکی از پایگاه‌های اصلی حامی داعش در ترکیه تنها چند روز قبل از بمب‌گذاری ماه گذشته در ترکیه تعطیل شد. تاکنون، واکنش غیرعادی دولت ترکیه به منتقدان سیاست بروز سوالاتی شده است. «کان دوندار» یکی از نویسندگان روزنامه جمهوریت به جاسوسی متهم شد. جمهوریت همان روزنامه‌ای است که خبر انتقال تسلیحات از سوی سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه را به شورشیان فاش کرد. افسر پلیسی که مانع انتقال این تسلیحات شد و دادستانی که پیگیر این پرونده بودند، در زندان به سر می‌برند. «خندری گورسل» یکی از نویسندگان لیبرال در شرکه هفته گذشته از روزنامه جمهوریت اخراج شد. علت اخراج او توئیتی اعلام شد که او در آن اعلام کرده بود اردوغان مسؤول خشونت‌های داعش در ترکیه است. این در حالی است که طی ۷ سال گذشته شمار زیادی از نویسندگان تک شغل خود را از دست داده‌اند.

حادثه بمب‌گذاری در ترکیه در نزدیک مرز شمال غربی سوریه رخ داد، یعنی از همان جایی که ترکیه برای گروه احرارالشام کمک ارسال می‌کرد. این حادثه در شرق رخ نداد، جایی که گروه داعش در حال مبارزه با شبه‌نظامیان حزب اتحاد دموکراتیک است. از نظر دولت ترکیه، داعش به دو داعش خوب و داعش بد تقسیم شده است که مانع عبور اعضای حزب اتحاد دموکراتیک از روز قرات می‌شود.

اما چنین تناقضاتی دوام نخواهد داشت. در ابتدا، جنگجویان کرد سوری که به سبب کمک‌های پ.ک.ک و حملات هوایی آمریکا تقویت می‌شدند از جمله موثرترین جنگجویان در مقابل گروه داعش بودند اما این بار در ترکیه نیز به صف مبارزان با گروه داعش پیوسته است.

فایننشال تایمز

آیا دولت ترکیه از فعالیت‌های داعش در این کشور بی‌اطلاع است؟

گروه داعش در حالی در ترکیه به جذب نیرو اقدام می‌کند که بسیاری از مردم این کشور معتقدند دولت این کشور نمی‌تواند از چنین موضوعی بی‌اطلاع باشد.همه آنچه در محل حمله انتحاری ۲۰ ژوئیه در شهر سوروج ترکیه کشف شد، مقداری اموال شخصی، اجساد به جا مانده و یک کارت شناسایی ملی به نام «عبدالرحمن الاگر» از شهر «ادیامان» (Adiyaman) ترکیه بود. مقامات ترکیه با استفاده از آزمایش دی‌ان‌ای مشخص کردند الاگر عامل این حمله بوده است که بر اثر آن بیش از ۳۰ نفر کشته و حدود ۱۰۰ نفر نیز زخمی شدند.

بنا به گفته خانواده الاگر، او مدت ۶ ماه خارج از کشور بوده و آخرین بار خانواده‌اش را بیش از ماه رمضان دیده بود. مقامات ترکیه گفتند او و برادر بزرگ‌ترش «یونس امره» وابسته به گروه داعش بوده‌اند. یونس امره پس از آنکه سال ۲۰۱۳ گفت قصد دارد به دانشگاه برود ناپدید شد و سال ۲۰۱۴ به ترکیه بازگشت. او یک چایخانه در ادیامان باز کرد و فعالیت‌های مذهبی خود را آغاز کرد او بار دیگر ناپدید شد و اکنون نامش در فهرست ۳۳ نفری است که پلیس آنها را تروریست‌های ناپدیدشده معرفی کرده و در تعقیب آنهاست.

«عبدالرحمن الاگر» دومین فرد در ادیامان است که بیش‌تر طی ۴۵ روز گذشته آنها را به عنوان بمبگذاران انتحاری داعش معرفی کرده است.

«اورهان گونبر» (Orhan Gonder) نیز که مظنون به حمله ماه ژوئن در خلال یک تجمع سیاسی حزب دموکرات خلق کردستان در دیاربکر است از ادیامان است.

ادیامان شهری بشدت محافظه‌کار در جنوب شرقی ترکیه است. احزاب محافظه‌کار راستگرا از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در انتخابات این شهر بیشترین نفوذ را داشته‌اند. از سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه برنده اصلی بوده است. اگرچه یک ۲۰۱۵ یک حزب کرد انتخاب شد اما حزب عدالت و توسعه همچنان بیشترین نفوذ را داشته است.

مقامات ترکیه براساس حوادث در این منطقه و در سوریه به این نتیجه رسیده‌اند که آدیامان داعش حمایت می‌کنند.

■ چرا آدیامان؟

«شاهدین شمسک» (Sahidin Simsek) که یک تاریخ‌نویس است، می‌گوید این شهر یک آزمایشگاه است. وی در مصاحبه با المانیتور گفت: هویت کردی، که دولت آن را بسه کار می‌برد، در مشخص کردن دشمن است. پلیس امروز ایران منطقه نقش مهمی ایفا می‌کند. دولت از یک هویت کرد سنی سخن به میان می‌آورد که از «کردیسم» متنفر است و «کردیسم» را با «هلوسیم» برابر می‌داند. آنها تلاش می‌کنند خود را از کردها جدا بدانند. شما با افرادی روبه‌رو هستید که از کردیسم متنفرند. برای آنها‌گام بعدی، داعش است.

«عثمان سوزن» (Osman Suzen) رئیس دفتر انجمن حقوق بشر ترکیه در ادیامان دیدگاهی متفاوت دارد. او در مصاحبه با المانیتور گفت: «این سازمان‌های مذهبی به‌رغم مشکلات اقتصادی منطقه به فعالیت‌هایشان ادامه می‌دهند و دولت چشم خود را به روی فعالیت‌های آنها بسته است».

سوزن افزود: «گروه‌های مذهبی طی ۷-۸ سال گذشته بشدت فعال بوده‌اند و فضا برای اهداف آنها فراهم بوده است. مردم در این منطقه بیشتر فقیر هستند و جلب حمایت آنها کار سختی نیست. وقتی مردم می‌دانند این سازمان‌ها فعالیت دارند، از جلسات و همچنین نیرو گرفتن آنها آگاه هستند چشم پوشی می‌توان گفت دولت از چنین چیزی بی‌خبر است؟ خانواده‌ها از پیوستن فرزندانشان به این سازمان‌ها شکایت دارند. برخی از فرزندان آنها بازگشته‌اند اما هیچکس از آنها نمی‌پرسد کجا بوده‌اند» سوزن برآورد کرد در حال حاضر ۳۰۰ نفر از ادیامان به داعش پیوسته‌اند.

وی گفت پگان‌های مدافع خلق کرد نیز زندانیانی از داعش دارد که از ادیامان آمده‌اند.

پایگاه اینترنتی المانیتور

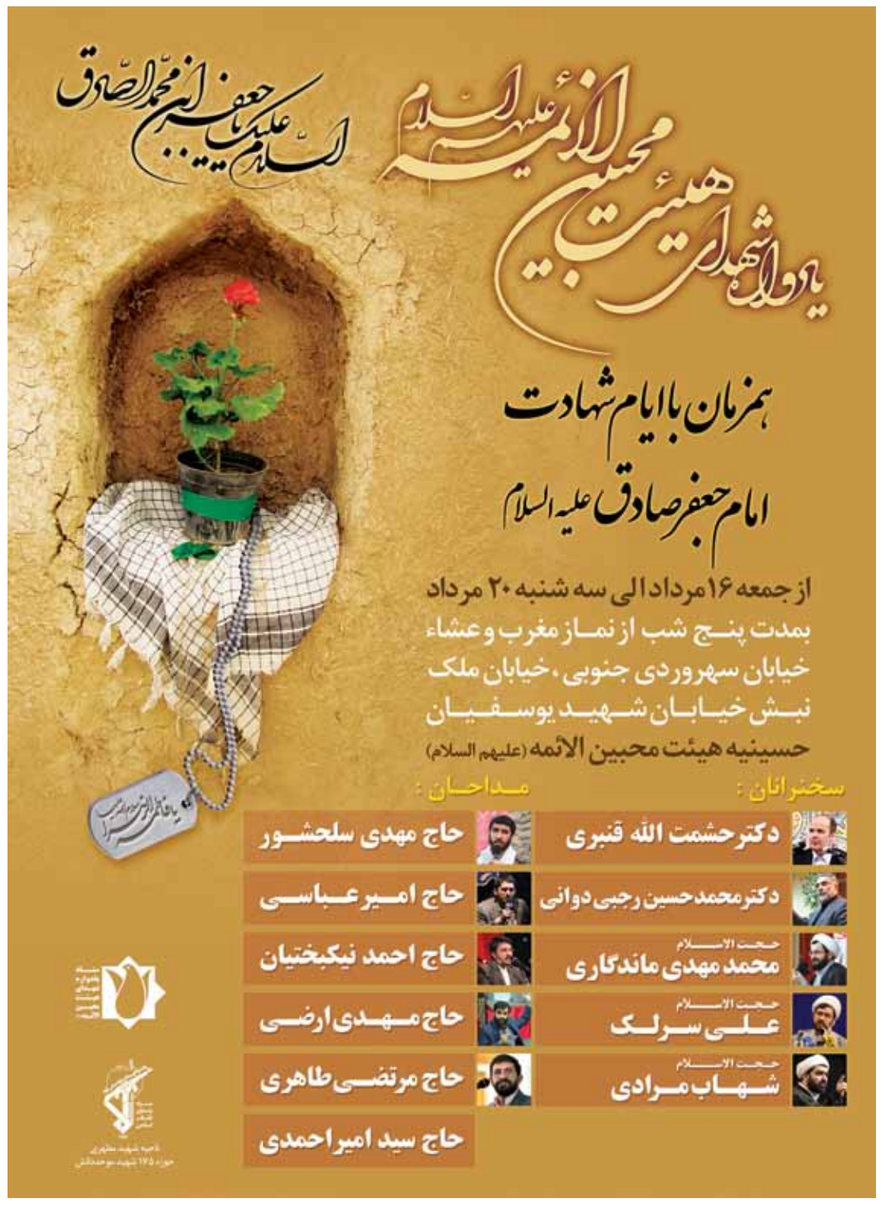

درباره اعتراف‌ات بی‌سابقه عراقچی

یادداشت امروز ادامه از صفحه اول

۲- عراقچی سعی می‌کند با این استدلال که نقد توافق به معنی اثبات پیروز شدن طرف مقابل است، راه را بر هر گونه نقد ببندد. این نشان‌دهنده آن است که تیم مذاکره‌کننده هنوز نتوانسته این مساله را برای خود حل کند که نقد داخلی کمک کار این تیم در چانه‌زنی قدرتمند با خارج است و اگر در ۲ سال گذشته این نقدها را به مثابه سرمایه‌ای برای مذاکرات استفاده می‌کردند، مسلما می‌توانستند به توافقی بسیار بهتر برسند.

۳- عراقچی می‌گوید خروج از ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد و لغو قطعنامه‌های پیشین بدون اینکه حتی یک ساعت اجرا شده باشند، مهم‌ترین دستاورد قطعنامه ۲۲۳۱ است. اولا قطعنامه‌های پیشین لغو نشده‌اند و همگی رزرو نگه داشته شده‌اند برای روزی که قرار باشد ایران مجددا تحریم شود. در آن روز، همه تحریم‌ها طبق قطعنامه‌های پیشین باز خواهد گشت. ثانیا ایران هرگز در هیچ‌کدام از قطعنامه‌های پیشین به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی نشده بود. ثالثا ایران در قطعنامه جدید از ذیل ماده ۴۱ خارج نشده و تمام تحریم‌های جدید (با عنوان محدودیت) ذیل ماده ۴۱ وضع شده است. رابعا - و مهم‌تر از همه - این خنددار است که آقای عراقچی ادعا می‌کند قطعنامه‌های پیشین لغو شده‌اند بدون اینکه اجرا شده باشند. آیا برجام به معنای اجرای اتم و اکمل قطعنامه‌های شورای امنیت نیست؟ تعهداتی که ایران در برجام پذیرفته، فرسنگ‌ها فراتر از تعهداتی است که طبق قطعنامه‌های شورای امنیت موظف به پذیرش و اجرای آن بود.

۴- آقای عراقچی می‌گوید بزرگ‌ترین دستاورد ما این است که غرب، شاهد غنی‌سازی در ایران را پذیرفته و پذیرفته شدن حق برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای - نه غنی‌سازی- اجرای کامل برجام تعیین شده است.

بنابراین حتی اگر حقی هم در کار باشد، پس از حداقل ۱۰ سال شناسایی خواهد شد نه الان. ثانیا پس از ۱۰ سال نیز ضمانتی به این کار نیست و غربی‌ها به صراحت گفته‌اند با صدور قطعنامه‌ای جدید محدودیت‌ها بر برنامه ایران را تمدید خواهند کرد. ثالثا اتفاقا این توافق دقیقا به معنای انکار حق غنی‌سازی ایران طبق معاهده است. طبق معاهده حق غنی‌سازی ایران هیچ محدودیتی جز صلح‌آمیز ماندن و قرار گرفتن زیر نظر آژانس ندارد. این توافق، این حق را انکار کرده و یک برنامه بشدت محدود را جانشین آن می‌کند. اساسا یکی از پیش‌فرض‌های این توافق این بوده است که حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته نشود تا بتوانند برنامه را محدود کنند. بنابراین اتفاقی که عملا رخ داده این است که ایران از NPT استثنا شده و برجام به مدت نامعلومی جانشین NPT شده است. و در نهایت، اینکه شورای امنیت تداوم یک برنامه محدود غنی‌سازی در ایران را پذیرفته از قضا چندان ربطی به دولت فعلی نداره و در انتهای دولت قبلی بود که پس از سال‌ها مقاومت و پرداخت هزینه، غربی‌ها بالاخره اعتراف کردند سیاست غنی‌سازی صفر درباره ایران پاسخگو نخواهد بود.

۵- عراقچی می‌گوید ۳ خواسته اصلی ایران تثبیت اصل غنی‌سازی، تضمین دورنمای تجاری و صنعتی آن و در نهایت لغو تحریم‌ها بوده و ایران به هر سه خواسته خود دست پیدا کرده است. اول حق غنی‌سازی در این توافق انکار شده نه اینکه پذیر